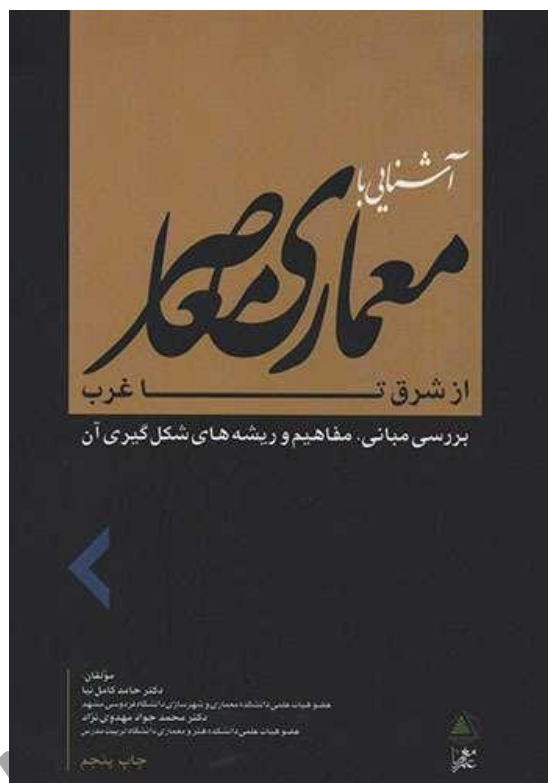


" خلاصه کتاب آشنایی با معماری معاصر، از شرق تا غرب "

"نوشته دکتر حامد کامل نیا و دکتر محمدجواد مهدوی نژاد"



به سوی معماری نوین

مقدمه

در پاسخ به این سوال که "معماری معاصر از چه زمانی آغاز می شود؟" می توان گفت به طور کلی هر دوره تاریخی نسبت به دوره های پیشین خود، معاصر محسوب می شود. اما بنیان های عمده نظریه های معماری نوین را می توان بیشتر در سال های اولیه قرن 18 میلادی، جستجو کرد.

از سال های 1700 میلادی و با نوشته های افرادی مثل بومگارتن و بلوندل؛ بومگارتن در 1750م. به شرح واژه زیبایی شناسی (Aesthetics) پرداخت و در 1752، بلوندل، اولین کتاب تاریخ معماری مدرن را نوشت.

سال های 1750 را می توان نقطه چرخش و تغییر جدی در حوزه های گوناگون مرتبط با معماری دانست؛ تغییر در ساختارهای اجتماعی و پدید آمدن طبقه خاصی از جامعه به نام بورژوازی، از مهم ترین دلایل آن بود.

طبقه جدید برای اثبات موجودیت خود نیازمند گونه معماری مخصوص خود است. ویلا، بنای مورد علاقه طبقه بورژوا بود؛ همانطور که در یونان معابد، در قرون وسطی کلیساها و در رنسانس، قصرها مورد توجه بودند. این تغییر الگوهای زندگی افراد و چرخش در حوزه های مختلف، زمینه ساز اندیشه های ابتدایی برای ظهور معماری نوین شد.

نقطه شروع دوران جدید

بسیاری از نظریه های معاصر بر این باورند که دوران جدید متأثر از چند جریان ویژه است که توانسته بر موضوعات مختلف سیاسی و اجتماعی اروپا، اثر بگذارد، این جریان ها عبارتند از :

1) رنسانس 2) جنبش اصلاح دینی 3) انقلاب کبیر فرانسه 4) انقلاب صنعتی

که در ادامه به هر کدام به طور جداگانه می پردازیم :

جریان اول : رنسانس

رنسانس مرحله گذاری است که در آن با تغییر یافتن ارزش ها و معیارهای کلی اجتماعی، خصایص مناسب برای گذر از سنت به صنعت ایجاد شد. گرچه این فرایند، خود قرن ها به طول انجامید. نوزایی یا رنسانس، جنبش فرهنگی بود که خود آغازگر انقلاب های علمی، اصلاحات مذهبی و تغییرات هنری در اروپا شد.

معنای لغوی رنسانس، به معنای تولد دوباره است. این احیای فرهنگی در قرن 14 م. در عرصه هنر و ادبیات و در شمال ایتالیا یعنی شهر فلورانس، آغاز شد و طی دو قرن بعد ادامه یافت. عصر نوزایی، دوران گذار بین سده های میانه و دوران جدید است.

3 انقلاب فکری، پایه های اساسی رنسانس را شکل می دهند :

1) انقلاب فکری کوپرنیک 2) انقلاب فکری گالیله 3) انقلاب فکری دکارت

- کوپرنیک، نظریه مرکزیت زمین را رد کرد و به جای زمین، خورشید را به عنوان مرکز عالم معرفی کرد؛ که این مسئله هم با اصول پذیرفته شده نجوم بطلمیوسی در تعارض بود و هم با محتویات کتاب مقدس.
- گالیله : که شاخص ترین متفکر عصر رنسانس است، علم فیزیک را سکولار کرد. یعنی آن را از الهیات مستقل دانست. از آن پس تکیه گاه علم فیزیک، خرد و عقل آدمی بود.
- دکارت : عقل بشر را جایگزین کتاب مقدس، سنت پاپ و کلیسا قرار داد. بدین ترتیب او سوژه آفرید و عصر "اندیشه های روشن و متمایز" آغاز شد. از بعد از فلسفه دکارت، همه چیز با معیار عقل سنجیده می شد، حتی محتویات کتاب انجیل، به عبارتی با فلسفه دکارت، عصر ایمان جایش را به عصر خرد داد.

ویژگی اول رنسانس : اومانیسیم و تولد پرسپکتیو

رنسانس تجربه جدیدی از توجه به مفهوم اومانیسیم (انسان گرایی) دانسته می شود. از مهم ترین موضوعات مورد توجه در این دوره، پرسپکتیو است.

معنای لغوی پرسپکتیو "به وضوح دیدن است" و از آنجا که در آن نقطه نظر فرد ناظر مهم است، می توان پرسپکتیو را مظهر اومانیسیم و توجه به انسان دانست.

ویژگی دوم رنسانس : احیاء تمدن باستان

از دیگر توجهات اصلی دوران رنسانس، احیای تمدن باستان (به ویژه یونان) است. رنسانس بازگشت به دوران کلاسیک است. یاکوب بورکهارت نویسنده کتاب "تمدن رنسانس"، کاشف بزرگ عصر رنسانس است. هنرمندان بزرگی مثل داوینچی، میکل آنژ، مازاچو و معماران بزرگی مانند پالادیو و برونسکی، در عصر رنسانس زندگی می کردند. دو شاهکار نقاشی تاریخ، یعنی شام آخر و لبخند ژکوند، اثر داوینچی است.

لبخند ژکوند : اثری است که ابهام و احساس وصف ناپذیر و حتی مضطرب انسان عصر حاضر را در پس پرده ای آرام و در عین حال مرموز نشان می دهد؛ انسانی که می داند ولی نمی گوید.

مازاچو در نقاشی دیوار تری نی تی در کلیسای سانتا ماریا نوولای فلورانس با کشیدن طاق گهواره ای و بعد از آن برامانته در اثر محراب فریبنده در کلیسای سانتا ماریا پرسوسان، به موضوع پرسپکتیو پرداختند.

رسانس دوره تاکید بر وضوح و خوانایی، نظم میان اجزاء و ترکیب های قاعده مند در فرم است. دوره احیای فرم های ریاضی وار رومن و تناسبات ساده آن.

معماران برجسته دوران رنسانس: برولنسکی، آلبرتی، پالادیو

بسیاری معتقدند نخستین بنای رنسانس، رواق جلوی بیمارستان یتیمان، اثر برولنسکی است، که بیان گر گونه ای از احساس سبکی و تعلیق دوران مدرن است. ستون های ایوان، که تاثیر برولنسکی از معماری رم را نشان می دهد، در عین حال از ظرافت دوران خود بهره مند است.



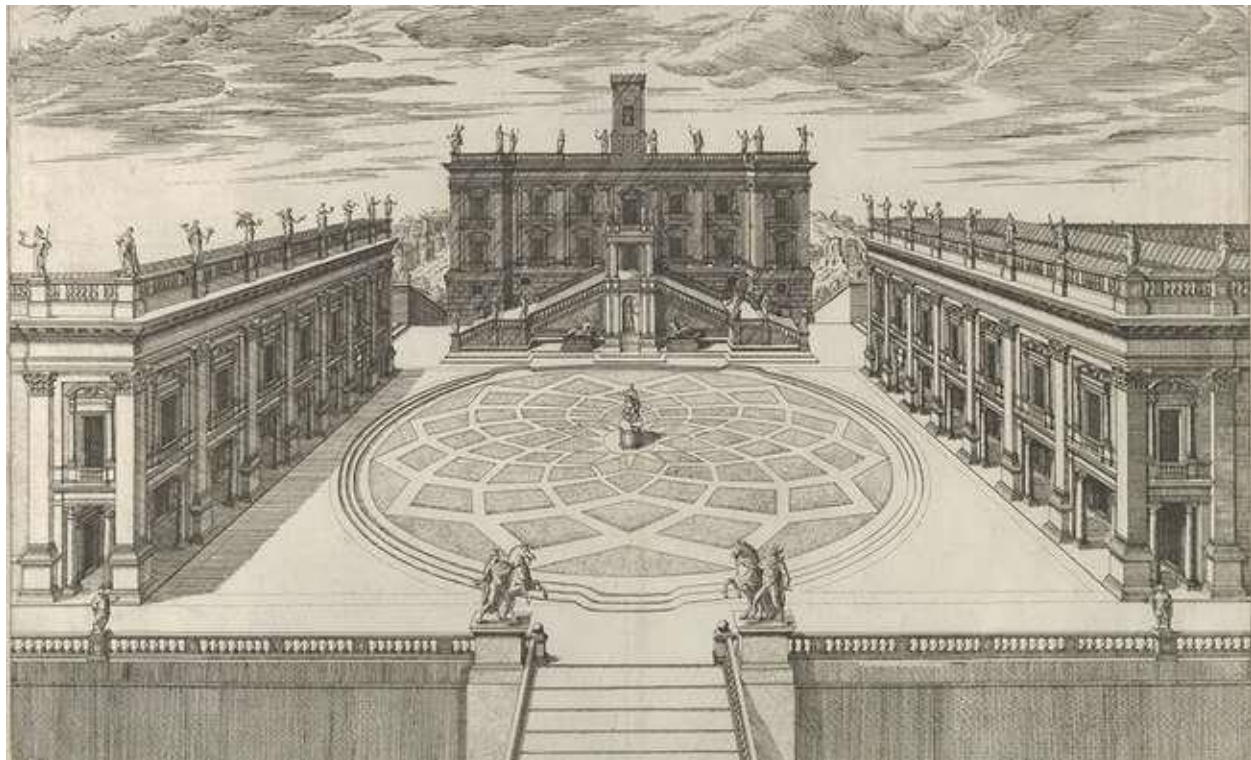
رواق جلوی بیمارستان یتیمان - برولنسکی

پالادیو از دیگر معماران مطرح عصر رنسانس است. معروف ترین بنای او، "ویلا روتوندا" است که به صورت چهار صفت طراحی شده است و در سال های بعد، منبع الهام معماران مدرنی همچون لوکوربوزیه شد. استفاده لوکوربوزیه از تناسبات پالادیو و به ویژه ویلا روتوندا، در بناهای مسکونی قابل مشاهده است. توجه پالادیو به مفهوم تداوم رابطه درون و برون در طرح ویلا روتوندا، بعدها مورد توجه معماران قرن بیستم قرار گرفت.

میدان کاپیتول یا کامپیدولیو اثر میکلانژ، از دیگر طرح های این دوره است. در این طرح، میکلانژ، با تغییر زاویه بناهای میدان نسبت به هم، به نوعی خطای پرسپکتیو را پوشاند. در این طرح، میکلانژ حجم های بزرگی را در کنار هم قرار داد. رئوس 12 گانه طرح ستاره ای، متضمن اشارات کیهانی است و استفاده از شکل بیضی، به دلیل ناپایداری هندسی آن است. در طرح کاپیتول از نقشه ستاره ای شکل که مورد علاقه رنسانس است، استفاده شده است.

نقشه ستاره ای شکل، نقشه مورد علاقه رنسانس است که طالب مرکزیت است. مرکز و محور، همواره انسان است.

○ عمارت مدیچی در فلورانس، نمونه ای از اوج سبک رنسانس است.



میدان کاپیتول - اثر میکلائو

باروک و روکوکو

کلمه باروک از زبان اسپانیایی وارد واژگان فرانسه شد که در زبان فنی جواهرسازی، به معنای **مروارید غیر غلتان** است. سپس فرهنگستان، در فرهنگ لغت، معنای مجازی کلمه را **"عجیب، غیر عادی، نامنظم و بی قاعده"** تعیین کرد.

یک جریان ادبی و هنری، از اواخر قرن 16 تا اوایل قرن 18 میلادی در اروپا و آمریکای لاتین، رواج داشت که به طور کلی به هر چیز غیر کلاسیک و غیر رایج گفته می شد. سن سیمون، باروک را خلق کارهای غیرمتداول تعریف کرد.

از ویژگی های بارز هنر باروک، **"حفظ تعادل"** و **"وحدت آفرینی"** در میان عناصر مختلف و گوناگون است. هدف اصلی معماری باروک آن بود که فضایی کلی را در **"مرکز"** تعبیه کند و فضاها را فرعی و نمای قبلی بنا را بدان تنظیم کند. باروک هرگز به عنوان یک مکتب مطرح نشد، بلکه یک **"جریان"** و یا **"گرایش"** بود.

جهان بینی و خصوصیات سبک باروک

- 1) بی ثباتی دنیا: هیچ چیز در این دنیا، ثابت و قطعی نیست و دنیا بی وقفه در حال تحول و دگرگونی است. بدین جهت شناخت و دانش بشر از جهان اطراف خود، کامل و صد درصد نیست.
- 2) انسان آزاد: انسان محکوم به سرنوشت نیست، بلکه حاکم به تقدیر خود است.
- 3) نپذیرفتن چیزی به طور مسلم و قطعی: باروک به واقعیت های قطعی و صد درصد ایمان ندارد. همه چیز در ظاهر پدیدار می شود. باروک به آنچه که در ظاهر وجود دارد اهمیت می دهد و نه به آنچه که واقعا هست.
- 4) واقعیت و توهم: پیروان سبک باروک معتقدند بین حقیقت و خیال، ظاهر و باطن مرز مشخصی وجود ندارد و کاملا از هم قابل تفکیک نیستند.
- 5) دنیا صحنه نمایش است.
- 6) باید مدرن بود: در عصر باروک دیگر از گذشته، تقلید و پیروی نمی شود، بلکه بیشتر به دنبال چیزهای نو، جدید و برخلاف روال معمول هستند.
- 7) مخاطبان متمدن
- 8) افراط: هنرمندان سبک باروک در خلق آثار خود، گاهی زیاده روی می کنند و از نظر آنان هر افراطی به نام آزادی خلاق، مجاز است.

سبک باروک در همه هنرها از جمله نقاشی، معماری، سینما، موسیقی، تئاتر، شعر و هنرهای تجسمی راه پیدا کرد.

1. تئاترهای تراژدی، کمیک و نمایش نامه های روستایی (pastoral) که از یک عشق ساده در دل طبیعت ناشی می شود، در این دوران بسیار مورد توجه است.
2. در شعر باروک نیز اشعار شخصی با تصویرسازی های بسیار درخشان و گاهی هم با سخنان نامفهوم ارائه می شود.
3. رمان های این دوره، پر از حوادث و اتفاق هایی است که در مکان ها و زمان های مختلف برای قهرمان باروک روی می دهد. قهرمان باروک خود را در عشق خود، حبس نمی کند و پایبند به آن نیست. به همین دلیل اغلب عشق های باروک بی ثبات و ناپایدارند.
4. سمبل معماری باروک، در قرن 17 میلادی، با استفاده از دیوار موجی شکل و ایجاد سایه روشن در نما، همچنان که در نقاشی های رامبراند وجود داشت، ایجاد گردید.

معماری و شهرسازی باروک و رو کوکو

در سده 16 م. باروک به معنای بی قاعده بود اما در سده 19 م. با عناوینی همچون شکوهمند، پر ریزه کار و ... شناخته می شد. در باروک در مقابله با ضوابط کلاسیک، حق تقدم به احساس داده می شود. در این دوران پیکره تراشی و نقاشی به خدمت معماری، در می آیند.

دوره باروک را شاید بتوان عصر تک میدان ها، نام نهاد. از مهم ترین میدان های دوران باروک، کلیسای سنت پیتر یک میدان ابلیکا است. این میدان متشکل از 3 عامل معماری، میدان بیضی شکل، میدان مستطیل شکل و کلیسای سنت پیتر است. دو بازوی گشوده شده میدان، استعاره ای از آغوش باز کلیسا برای پذیرش مومنان است.

برمینی در کلیسای سان کارلو، با استفاده از دیوار موجی شکل، احساس حرکت را به وجود می آورد. این احساس حرکت و بازی با نور و سایه، مانند تاثیر نقاشی های رامبراند است. حرکت در معماری بعدها توسط آلوار آلتو نیز به عنوان یکی از ویژگی های معماری به کار گرفته شد.

موزه لوور و کاخ ورسای یکی از مهم ترین طرح های این دوران در فرانسه هستند. تلفیق سازمان راست خط با ویژگی های پرهیجان و تخیل آور باروک ایتالیایی، مهم ترین ویژگی این نمونه های باروک فرانسه است.

کاخ ورسای این اعتقاد منطقی را بر پایه فلسفه ریاضی دکارت بیان می کند که هرگونه شناخت یا دانشی باید انتظام یافته و هر عملی باید حاصل تحمیل عقل بر ماده باشد.

باروک عصر بی نهایت است و احساس ذهنی بی انتهای در باغ ها و جاده های عریض، هدایت گر به بی نهایت هستند. این احساس ذهنی بی نهایت که به واسطه پرسپکتیو میسر می شد، توسط معماران و منظر سازان قرن 17 فرانسوی، به نمایش گذاشته شد.

دوران روکوکو از صلابت و ابهت ساختمان های باروک، کم کرد و به سبکی و ریز نقشی، شادی انگیزی و زینت گری آن پرداخت. این دوره نیز همزمان با عصر اقتدار زنان پیش رفت. دربارهای اروپایی در کشورهای مثل فرانسه، اتریش و روسیه در تسخیر زنان بود. توجه این زنان جاه طلب و ثروتمند به ظرافت ها و شوخ سری های باروک، موجب رونق آن شد. از مقیاسهای کوچک مثل اثاثیه و لباس گرفته تا بناهای معماری، تحت تاثیر این جریان قرار داشت.

جنبش اصلاح دینی

این جنبش توسط مارتین لوتر، علیه حاکمیت مطلق کلیسای کاتولیک، به انجام رسید و جنبش پروتستان را علیه کاتولیک ها، به وجود آورد. معنی لغوی پروتستان، به معنی معترض و مخالف سرسخت است. مبانی جنبش پروتستان توسط لوتر مطرح شد. این مذهب یکی از 3 شاخه اصلی مسیحیت است که در مقابل قوانین کلیسای کاتولیک رم، اعتراض و ایستادگی کردند. به عبارتی ریشه در اصلاح گرای و رفورمیسم قرن 16 م. دارد.

مذهب پروتستان، برخلاف کلیسای کاتولیک، معتقد به گشودگی مومنان به پشتوانه اجرای اوامر سنتی کلیسا نبوده، بلکه معتقد بود هر انسانی که در بارگاه احدیت، با اعتقاد و ایمان راستین، به گناهان خود اعتراض و طلب آمرزش نماید، حقانیت و عدالت خداوند، شامل حالش می شود.

واسطه بین خدا و انسان، تنها عیسی مسیح است. سه اصل اساسی پروتستانیسیم :

1) تنها انجیل سرچشمه تعالیم است.

2) تنها از طریق رحمت مسیح، رستگاری حاصل می شود.

3) همه مومنان در مقام کشیش هستند.

شهرت لوتر به خاطر این است که انجیل را از دست کلیسای رم نجات داد. نوشته های اورلاموند، مجموعه نوشته های طرفداران لوتر است که در سوئیس منتشر شد.

انقلاب کبیر فرانسه

انقلاب کبیر فرانسه، محصول و زاده عصر روشنگری است. در عصر روشنگری، به اعتقاد کانت، عقل کلید اثلی دانش است. انقلاب فرانسه، دوره ای از دگرگونی های اجتماعی- سیاسی در تاریخ فرانسه است که منجر به تغییر نظام سلطنتی به جمهوری در فرانسه شد.

انقلاب صنعتی

می توان گفت رنسانس موجب تحولات گسترده در عرصه هنر و فرهنگ، جنبش اصلاح دینی در عرصه مذهب، انقلاب فرانسه در عرصه سیاسی و اجتماعی و انقلاب صنعتی در عرصه صنعت، موجب تحولات بسیاری شدند. افزایش ناگهانی تولید در این دوران موجب گسترده تر شدن روابط شد. از میان 4 نقطه آغاز تحولات در دوران معاصر، تاثیر مستقیم انقلاب صنعتی بر معماری، بیش از دیگر جریان هاست.

معماری و شهرسازی و چالش های دوران انقلاب صنعتی

از ابتدای قرن نوزدهم تا آغاز جنگ جهانی اول (سال 1914) جمعیت سه برابر می شود و به جای آنکه همچون گذشته در گروه های محلی پراکنده شود، در مجموعه های عظیمی که در خدمت صنعت قرار داشتند (شهرها) تمرکز می یابد. از آن جایی که انقلاب صنعتی حاصل پیوند کار و سرمایه بود، به جای فرد یا دولت؛ باشگاه ها، اتحادیه ها و انجمن ها در اصناف سرمایه گذاران (به ویژه فلز) ایجاد می شود. مصرف کنندگان نیز اتحادیه هایی مخصوص به خود را داشتند. برای سازماندهی این توده ها بر روی زمین، "شهرسازی" به وجود می آید. شروع اصلی این جریان با اختراع ماشین بخار توسط جیمز وات بود. از آن جایی که فرانسه، روسیه، اتریش و پروس به عنوان ابر قدرتهای جهان دیگر توان رقابت با انگلستان را نداشتند و مشغول بازسازی های پس از جنگ بودند، انگلستان نقطه آغاز انقلاب صنعتی بود.

دلایل شروع انقلاب صنعتی در انگلستان:

-جنگ ها، انگلستان کمتر آسیب دیده بود.

-مستعمراتی که انگلستان برای تهیه مواد خام داشت.

مبانی شهرسازی مدرن

مفهوم "وجود یک خط مرکزی سازمان دهنده در فرم شهر"، پس از رنسانس شکل گرفت که موجب ایجاد پایه‌های شهرسازی مدرن شد. چراکه توجه به مردم در فضاهای شهری با توسعه میداین شهری توسط "میکل آنژ" و "برنینی" شکل گرفت. زمان ظهور شهرسازی مدرن بین 1830 تا 1850 است. با به وجود آمدن طبقات جدید اجتماعی (کارگران کارخانه‌ها و بورژواها که صاحبان صنعت بودند) جنبش‌های مختلف شهری و شهروندی به وجود آمد. شهرهای صنعتی اجتماع زیادی از کارگران را با حداقل امکانات در خود جای داده بود و موجب کمبود امکانات زندگی شده بود.

به همین دلیل افرادی مثل "چارلز دیکنز" (در لندن) و "چادویک" به انتقاد از این کیفیت زندگی پرداختند. "انگلس" نیز در کتابی با عنوان "وضعیت طبقه کارگر در انگلستان" به شرح زندگی در محیط‌های نامناسب شهری پرداخت. در نیمه قرن نوزدهم در فرانسه موضوعات مطرح شده منجر به تصویب "اولین قانون شهرسازی فرانسه" شد. مسائل سیاسی نیز در شهرسازی مدرن تاثیر گذاشت و وقوع انقلاب‌های اجتماعی، باعث روی کار آمدن جناح‌های راست افراطی شد: (ناپلئون سوم در فرانسه - بیسمارک در آلمان - دیزریلی در انگلستان) وقوع انقلاب‌های اجتماعی پی در پی در فرانسه موجب ایجاد الگوهای جدید عمرانی برای کنترل فضاهای شهری شد و "بارون هوسمان" مسئول طرح سازماندهی پاریس شد.

اصلاحات هوسمان:

- ایجاد خیابان‌ها در مرکز شهر و ایجاد ضابطه‌های شهری
 - اقدامات ساختمانی مثل ساخت بناهای عمومی و مسکن ارزان قیمت
 - احداث پارک‌های عمومی و گردشگاه‌های شهری
 - نوسازی شبکه آب و فاضلاب بخش قدیمی پاریس
 - اصلاح نظام اداری پاریس و سازماندهی شهرداری‌ها
- شهرسازی پاریس از اولین نمونه‌های شهرسازی مدرن در قرن 19 میلادی بود که در دوران بارون هوسمان ایجاد شد. علاوه بر هوسمان "ابنرز هاوارد" نیز ایده "باغ شهر" را مطرح کرد. هدف او رهایی از جنبه‌های مضر انقلاب صنعتی و از بین بردن محلات فقیر نشین که چارلز دیکنز نیز به آن‌ها اشاره کرده بود، بود.

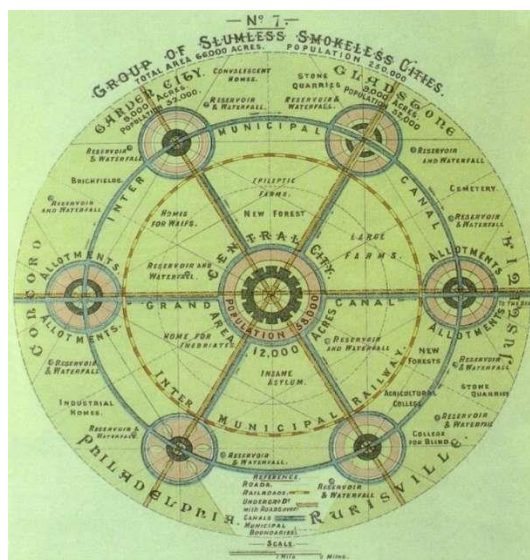
"ابنرز هاوارد" در انگلستان دو کتاب نوشت با نام‌های: "فردا" (در سال 1898) و "شهر باغ فردا" (در سال 1902) او عدد بهینه جمعیت شهری را 30 هزار نفر می‌دانست.

ابنرز هاوارد سه اصل اساسی داشت:

- حذف سوداگری زمین

-کنترل رشد شهرها

-محدود کردن جمعیت شهرها



ایده باغ شهر- اینترز هاوارد

"ریموند آنوین" در آثار زیر رویای "هاوارد" را عملی ساخت:

-باغ شهر لچوورث

-حومه باغ همستد

-شهر دوم ولوین

کتاب "ریموند آنوین" با نام "برنامه ریزی شهری در عمل" است.

"سریا ماتا" از خطوط حمل و نقل شهرها، ایده "شهر خطی" را داد.

"پاتریک گدس" به موضوع "برنامه ریزی تفصیلی" پرداخت.

"کلرنس پری" ایده "واحدهای همسایگی در شهرسازی" را مطرح کرد که در آن دبستان هسته اصلی واحدهای همسایگی بود.

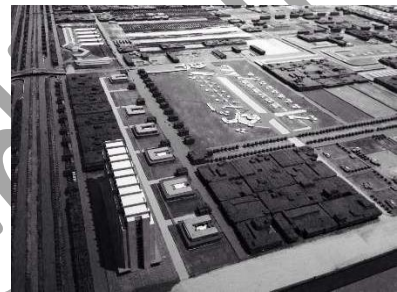
در اواخر قرن نوزدهم معمار "وینی کامیلیوسیتته" نوآوری مهم در شهرسازی به وجود آورد. کتاب او "هنر ساختن شهرها" است که در آن به فضاهای پر و خالی شهر اشاره دارد. او پیش از لوکوربوزیه به ایده "بعد سوم" در شهرسازی می پردازد. نقشه شهر مانند نقشه کلیسا است و تابلوی نقاشی، اثر هنری است و باید توسط هنرمند تهیه شود. -وینی کامیلیوسیتته.

"لدو" ایده "ساخت دهکده‌های صنعتی" را مطرح کرد و "تونی گارنیه" با ایده "ساخت سریع شهر صنعتی" طرح او را توسعه داد.

معماران که نظریه‌های شهرسازی داشتند:

-فرانک لوید رایت: براد آکر سیتی (شهر کم تراکم)، شیوه زندگی روستایی؛ هر خانواده یک آکر زمین (4000 متر مربع)

-لوکوربوزیه: ایجاد ساختمان‌های بلند که اطرافشان فضاهای باز بود را در کتاب‌های "شهر فردا" (1922) و "شهر باشکوه" (1933) داد.



ایده براد آکر سیتی (شهر کم تراکم) - فرانک لوید رایت

تجدید حیات گرایی سال‌های 1750

بعد از صلح مابین انگلستان با ایتالیا و فرانسه، ثروتمندان انگلیسی به ساخت کاخ‌هایی در ایتالیا روی آوردند که موجب پیدایش کاخ‌های باستانی شد. مثال: هنگام ساختن منزل پادشاه ناپل، **ویرانه‌های پومپئی** (79 ب. میلادی) کشف شدند و مکتب نئوکلاسیسیزم از احیای هنر و معماری دوران کلاسیک (یونان و روم) به وجود آمد.



ویرانه‌های پومپئی (79 ب. میلادی)

مکتب نئوکلاسیسیزم:

خواستگاه: فرانسه سپس کشورهای اروپایی و آمریکایی

نظریه پرداز: وینکلمان در آلمان با کتاب "تاریخ هنر باستان" (1764)

-نئوکلاسیک از افراطی بودن باروک متنفر است.

-ظرافت کاری بیش از اندازه روکوکو را نمی‌پسندد.

-هنر باستانی یونان و روم را آرامش بخش می‌داند.

این جنبش شامل بازگشت به دوران گذشته مانند گوتیک، بیزانس و ... شد. بنابراین جنبش‌هایی مانند نئوگوتیک، نئوبیزانس و نئورومانسک و... موجب شکل‌گیری جریان "هیستوریسیزم (تاریخ گرایی)" شد.

از مهمترین نتایج هیستوریسیزم: جدایی مهندسی و معماری (که در رنسانس این رابطه بسیار نزدیک بود)

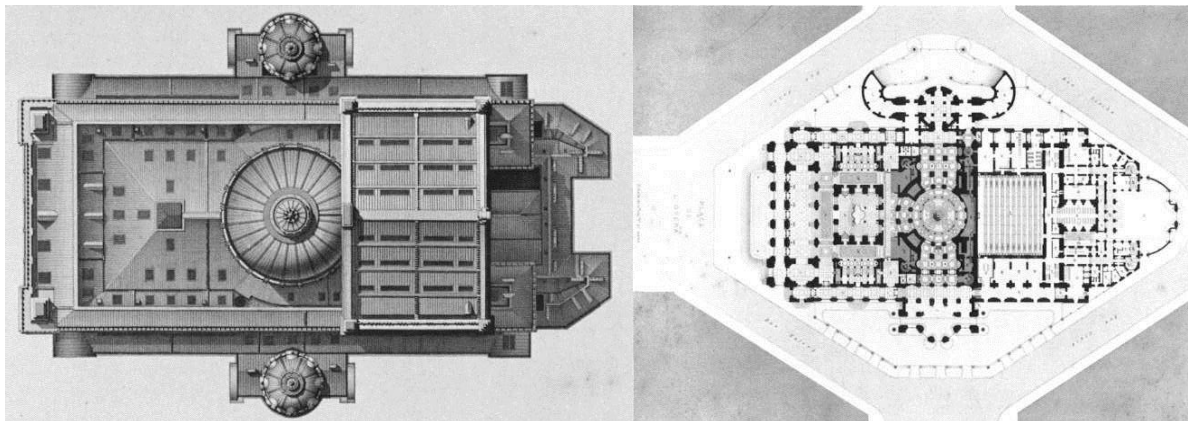
تاثیر دوران نئوکلاسیک در حوزه ارتباط انسان و محیط:

-توانایی کنترل بشر بر طبیعت

-تغییر در ساختارهای اجتماعی (افول آریستوکراسی و ظهور بورژوازی)

اوج نئوکلاسیسیزم در نیمه قرن 18 میلادی با بازگشت به دوران کلاسیک اتفاق افتاد. در اواخر قرن 18 با احیای معماری ویتروویوس، باستانی و رنسانس ایتالیایی و توجه به آثار پلادبو، پالادینیزم شکل گرفت. نوع اولیه نئوکلاسیسیزم: پالادینیزم

در طول این دوران با گرایش تجدید حیات گرایی برخی از کاربری‌ها به دنبال احیای دوره تاریخی مناسب برای خود بودند. سبک‌های رومانسک و گوتیک برای کلیساها مناسب بود و گوتیک متاخر برای بناهای شهری. اما یک سری از کاربری‌ها از تلفیق الگوهای تاریخی و استفاده از سبک‌های سنتی محلی به دنبال روماتیک گرایی ملی بودند. نمونه: اپرای پاریس چارلز گارنیه که نئو بارک هست.



اِبرای پاریس چارلز گارنیه

نئوگوتیک

نئوگوتیک از مهمترین جریان‌های بازگشت به دوران گذشته است. در انگلستان و فرانسه به دلیل بیشتر در دسترس بودن رواج بیشتری داشت. توجه به گوتیک به دلیل خصوصیات رومانیتیک مابانه در ساختمان‌هایی مرموز بود و به همین دلیل استفاده از فرم‌های گوتیک جایگزین فرم‌های کلاسیک شد. رمان گوتیک قلعه اوترانتو (هارس والپول) اوج این جریان را نمایش می‌دهد.

سبک جورجین در تجدید حیات گرایی

در ایالات متحده به دو دلیل این سبک رونق گرفت:

- یونان در عین کلاسیک بودن خصوصیتی رومانیتیک برای آمریکایی‌ها داشت. نوستالژی جنگ موجب پدید آمدن این مسئله بود.
 - توماس جفرسون رئیس جمهور وقت تحصیل کرده بوزار فرانسه بود و به دوران کلاسیک علاقه داشت.
- سبک جورجین تاثیر ایده‌های جفرسون از معماری پالادیو نیز به شمار می‌رفت.

التقاط گرایی (اکلکتیزم)

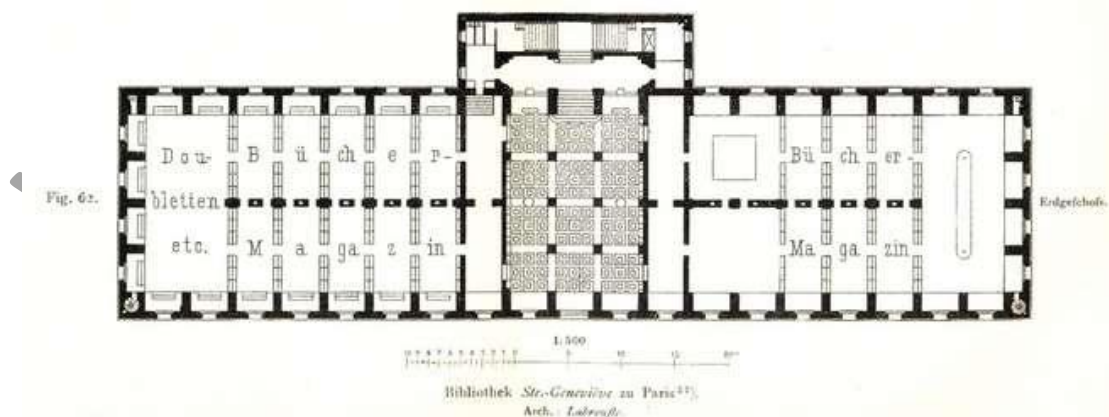
التقاط گرایی به معنای استفاده آزادانه از سبک‌های گوناگون معماری است. در نیمه دوم قرن 19 واژه اکلکتیزم به معنی خوشه چینی توسط ویکتور کوزین برای تعریف سیستمی مرکب ساخته شده از اندیشه‌های انتخاب شده از سایر سیستم‌ها به کار برده شد. در معماری، این واژه برای توصیف اثری است که فاقد اصالت است. هر چند بعدها در جریان‌های پست مدرن بیشتر به کار گرفته شد.

خردگرایی (راسیونالیسم)

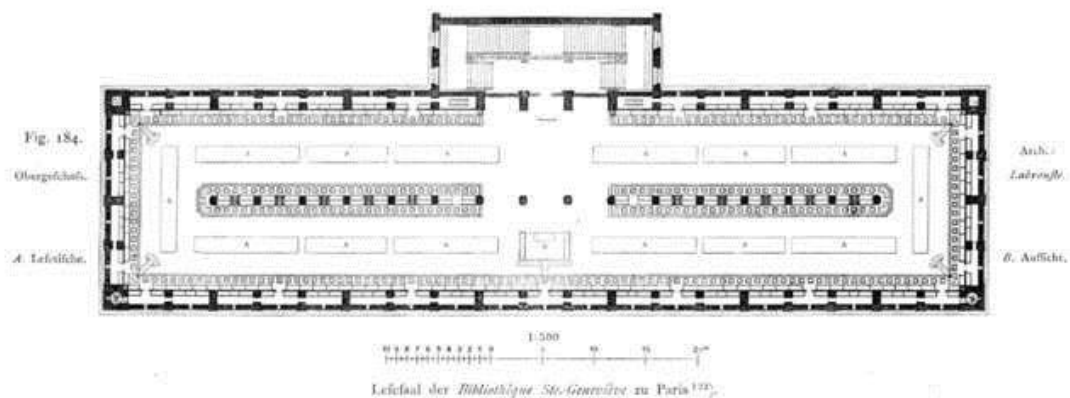
برخلاف اعتقاد کلاسیک گرایان و التقاط گرایان، خردگرایان معتقد بودند معماری مدرن در پی یافتن راه حل‌های منطقی (راسیونال) برای پاسخ به موضوعات کارکردی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. مهم‌ترین معمار راسیونالیست کلاسیک "هنری لابروست" است که از اسکلت فلزی به صورت معماری کلاسیک استفاده کرد. معروف‌ترین آثار او کتابخانه سنت ژنیو و کتابخانه ملی پاریس است. از دیگر نمونه‌های پیشین معماری ناسیونال به شیوه کلاسیک کلیسای سنت ژنیو در پاریس اثر سوفلوت است.



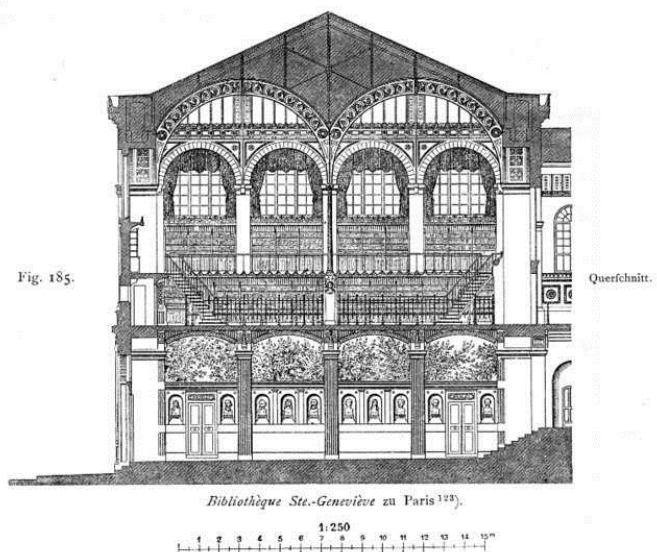
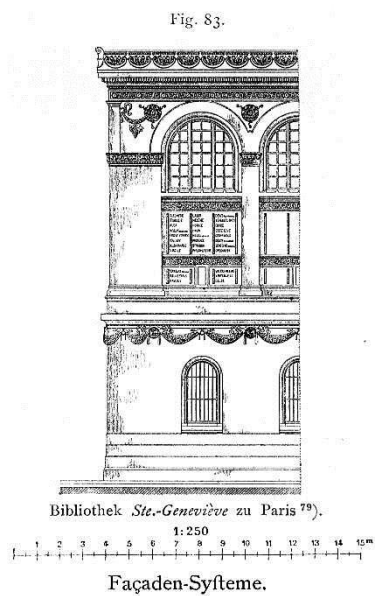
کتابخانه سنت ژنیو- هنری لابروست- سالن مطالعه



کتابخانه سنت ژنیو- هنری لابروست- پلان طبقه همکف



کتابخانه سنت ژنیو- هنری لایروست- پلان سالن مطالعه



راسیونالیسم حاوی پنج مشخصه اصلی در این دوران بود:

1. رواج آموزش‌های دموکراتیک و فراهم کردن عرصه‌های پیشرفت
2. رواج اصول اخلاق اقتصادی
3. روش‌های پیش ساخته سازی و استاندارد سازی
4. حق تقدم برنامه ریزی شهری نسبت به معماری

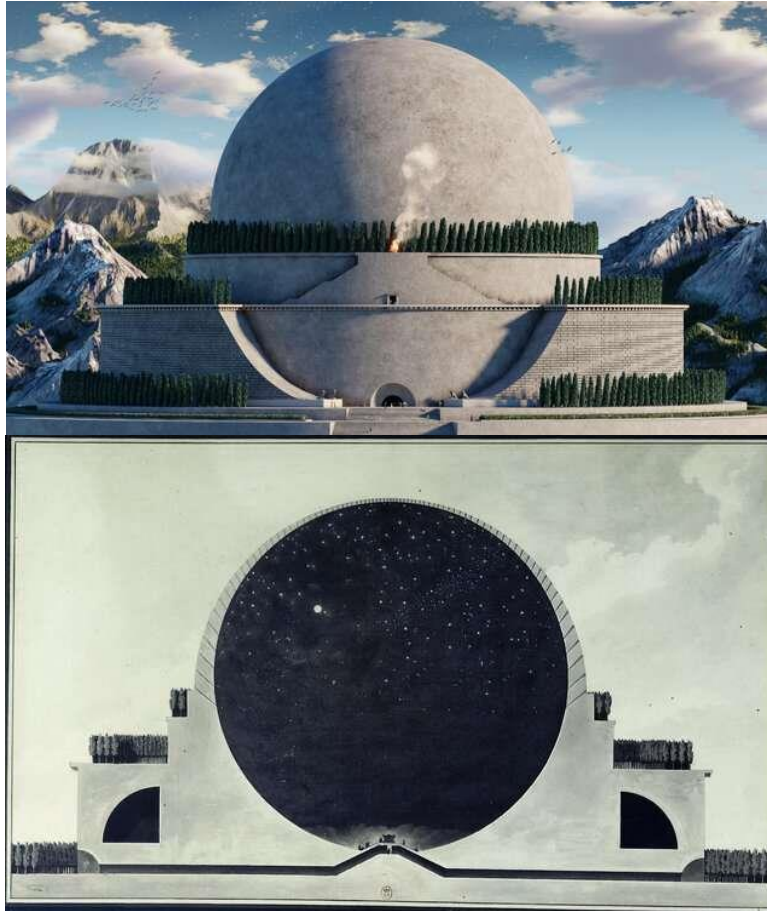
5. فرم‌های ناسیونالیستی در معماری که به روش علمی عینیت محیطی را از لحاظ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، عملکردی و الگوهای ساختاری مورد بررسی قرار می‌دهد.

معماری انقلابی

بعد از سپری شدن دوران جنگ‌های مختلف، معماری نیز نیازمند انقلاب برای نشان دادن تغییرات پیش آمده در زندگی بود. پیترب کالینز در کتاب "دگرگونی آرمان‌ها در معماری مدرن"، پیشتازان معماری مدرن و یا معماری انقلابی را **دورانند - سوان - بولی و لدو** می‌داند. مطابق نظر او این معماران بیشتر از اشکال هندسی استفاده می‌کنند. نظری که بعدها توسط پیشگامان معماری مدرن به شدت پیگیری می‌شد. دورانند و بولی بیشتر پلان‌های مدور و احجام کره‌ای که نشان از جهان نیازمند آرامش پس از انقلاب بودند را در نظر داشتند. "تزیینات نقش زیبایی معماری ندارد، یک ساختمان وقتی زیباست که به نیاز پاسخ مقبولی بدهد." - دورانند. اولین نشانه‌های توجه به عملکردگرایی در این دوران بود که بعدها در قرن بیستم به اوج رسید.

در معماری انقلابی سه منبع برای الهام فرم از سوی معماران وجود داشت:

1. معماری سنتی که علاقمند به تجدید حیات‌گرایی و استفاده از فرم‌های کلاسیک داشتند.
 2. قیاس‌های عملکردی می‌توانست موجب انتخاب فرم شود.
 3. قضاوت‌های عقلانی (راسیونال)
- ایتن لویی بوله که بیشتر از احجام کره‌ای استفاده می‌کرد آرمان‌های خود را در طرح **یادبود نیوتون** در حوزه معماری انقلابی به نمایش گذاشت. بولی در پروژه **معبد خرد (1793)** جهان متعلق به انسان را مانند طبیعت به شکل دو نیم کره مکمل یکدیگر نشان می‌دهد که یکی از آن‌ها زمین همچون مسیلی سنگی و عمیق و دیگری آسمان را همچون گنبدی صیقلی تجسم می‌کند.



Source: gamicia.com / Bibliothèque nationale de France

طرح یادبود نیوتون - اتین لویی بوله

www.archmedia.ir